سال اول - شماره ۸۰ صبح پنجشنبه ۱۹ آبان ماه ۱۳۲۲ تکشماره یکریال

آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

« بهای اشتراک »
سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء و افراد صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها با دفتر اداره است

جای اداره:
(خیابان شاه [illegible] کوچه [illegible])

آژیر روزهای یکشنبه - سه‌شنبه - پنجشنبه منتشر میشود

تهران میخواهد
امتحان بدهد

تهران معروف تهران اجتماع تهرانی که خون و شیره حیات یک کشور پهناور را میمکد؛ تهرانیکه مانند زنان هرجائی با آرایش و پیرایش لوس جلوه میکند. تهرانیکه پارک ها کافه ها رستورانها مغازه‌ها سالونها و ملاهی در و دیوارش نکبت و رذالت و بیچارگی دست و پا میزند. تهرانیکه در عین خوشی سخت ترین و تلخ ترین دقایق تاریخ خود را می گذراند. تهرانی که دروغ و شارلاتانی حیله و نیرنگ آه و ناله و نفرین و اعتراض از در و دیوارش میبارد. تهران بیمار تهران خوشگذران تهران بی قید تهران بیچاره تهران خاموش تهران دقیق تهران متعبد تهران حساس تهران متدین تهران بیعار تهران صبور تهران هرزه تهران خائن تهران کم فرصت تهران دو رو تهران گزاف تهران بیدادگر تهران گرانفروش تهران مظلوم تهران صبور تهران مست تهران تریاکی تهران شلوغ تهران آرام تهران بی پروا تهران انقلابی تهران ارتجاعی تهران محبوس تهران آزاد تهران پارازیت تهران زنجیر تهران متجدد تهران عقب مانده تهران چادر نمازی تهران مدرن تهران بیرحم تهران لاابالی تهران گدا تهران متعفن تهران [illegible] تهران تاریک تهران معاصر تهران کهنه بالاخره تهرانیکه پایتخت کشور ایران است با تمام عضو عضوش میخواهد امتحان بدهد.

ولی اغلب از عناصر لایق و آزادی خواه را مایوس میبینیم میگویند دولت کاندید معین کرده است.

پولداران سخت دوندگی میکنند. معروف است که بهای رای هم اکنون پنجاه و شصت ریال خرید و فروش میشود شایع است که اغلب دولتیها و خرید و فروشها بادست اشخاصی انجام میگیرد که هنوز در دادگاهها پرونده دزدی و اختلاس دارند شنیده میشود که اغلب مجالس و انجمنهای انتخاباتی با پول و تشبث مرتجعین و سرمایه داران محتکرین نوکران و مداحان شاه سابق تشکیل و اداره میشود معروف است که طالبین، دزدها و مختلسین برای ربودن کلاه مردم تهران بند و بستهای عجیبی کرده اند. شایع است که از سجل های مرده ها و گداها و سربازان و شهربانی و سپورها میخواهند استفاده بکنند مخصوصا بعضی‌ها در اطراف شهرستان های دور دست برای بدست آوردن سجل اقدامات شدیدی میکنند اگر اینطور باشد البته تهران هم بد نام خواهد شد در اینجا هم مردمان خائن و مرتجع و چاپلوسیکه هر ساعت انتظار برگشت دوره دیکتاتوری را دارند انتخاب خواهند گردید.

با وجود این ما خیلی مایوس نیستیم تهران در دوره هائیکه انتخابات آزاد بوده خوب امتحان داده است

اصلا شهرستان های مهم ایران آن هائیکه در گرفتن مشروطه پیش قدم بوده اند یک مرکز ثقل نامرئی وجود داشته اند. دوره های قبل از کودتای سیاه حتی دوره بعد از آن هم بمشروطیت و مجلس و نمایندگی علاقه شدیدی نشان داده نگذاشته است مرتجعین این مقام عالی را بدست بیاورند.

قبل از اینکه رضا خان مجلس شورای ملی را به انجمن مشاوره سلطنتی تبدیل بکند تهران همیشه نمایندگان خوب وطن خواه و دموکرات مسلکی انتخاب میکرده است بزرگتر از این دلیل نمیشود که در نخستین دوره اینکه بعد از سلطنت رضا خان تشکیل شد نمایندگان صالح تهران از شرکت در آن امتناع کردند بدین واسطه بزرگترین ضربتی را بنفوذ معنوی رضا خان وارد ساختند از آن روز دیگر تهرانیان مجلس را یک سازمان ملی نمیدانستند در تمام دوره های رضا خان مردمان روشن فکر علاقمندان از دادن رای خودداری کرده اند

اصلا دوره رضا خان عملا رای و عقیده و انتخابات در کار نبود فقط خائنین مرتجعین اشخاص بی شخصیت میتوانستند بداشتن حس نماینده گی افتخار بکنند فقط وجاهه و اوباش میتوانستند این بازی تاریخی را گردن نهاده مانند عروسک خیمه شب بازی با انگشت رضا خان برقصند و واسطه سر گرمی ملت واقع بشوند

بعد از شهریور خیلی چیزها گفته شد بسیار حرف های گنده و بزرگی بعضی ها اتفاق خیلی ها هم لباس خود را عوض کرده دموکرات شدند

خیلی ها اصل خود را تغییر داده مدعی دموکراسی را پیشه خود ساختند و وهم خیالی ها با کمال پررویی و وقاحت گذشته کثیف و ننگین خود را فراموش کرده میخواهند خود را حامی آزادی و دموکراسی قلمداد بکنند و بوسیله مقام نمایندگی را بدست بیاورند ولی بعقیده ما تهران آنقدر هاهم تاریک نیست اگر دولت برای حفظ آبروی کشور برای پاس احترام آزادی و دموکراسی از مداخله نامشروع خودداری نموده نگذارد [illegible] از سازمانهای دولتی در انتخابات استفاده بکنند اگر دست شهرداری و شهربانی و تثبیت قیمتها و ارزاق وغیره از مداخله بکار انتخابات کوتاه بشود اگر انجمن نظار بتواند از سجل های تقلبی از آرای مشکوک که بواسطه پولداران و محتکرین و ملاکین از حالا در اطراف تهیه میشود جلوگیری بعمل بیاورد تهران ثابت خواهد کرد که با تمام نواقص و عیب و ایرادی که برایش قائل هستیم از عهده امتحان و آزمایش سربلند بیرون خواهد آمد.

ما با وجود اصرار و ابرام تمام تشکیلات دوستان و هم مسلکان خود نتوانستیم مانند [illegible] در انتخابات شرکت بکنیم از اینجهت ولی پیشنهاد [illegible] بدون ملاحظه و نظر خصوصی بجامعه فرو رفته نظر عناصر صالح و بیغرض را بیرون بکشیم و نتیجه طوری که گفتیم موجب امیدواری ما است مردم تهران آنهائیکه از افراط خصوصی و هرج بازی دور هستند خوب فکر می کنند تشخیصشان هم بد نیست ولی همه از حقه بازیهای متنفذین و پولداران و مداخله مستقیم و غیر مستقیم دولت بیمناک هستند بنظر ما آقای سهیلی باید شخصاً مواظب باشند تا ستمکاران کابینه ایشان را بدنام نکنند ولایات هرچه هم گذشت از تهران و آذربایجان و اصفهان باید عناصر ملی انتخاب بشوند تا آلت دست این و آن واقع نشده در دوره اینکه از زمین و آسمان خطر میبارد مجلس بتواند از اسم ملت از اسم توده از اسم تهران بالاخره از اسم ایران حرف بزند

اینجا دیگر شوخی بردار نیست از خرید و فروش و بند و بست و رشوه [illegible] باید جلوگیری کرد وزارت کشور میگویند در بعضی از شهرستانها اعمال نفوذ شروع شده است از آذربایجان هم تلگرافات تاسف آمیز میرسد در خراسان منصور خیلی زیاده روی کرده است تهران را باید بحال خود گذاشت اصفهان مخصوصا آذربایجان باید وکلای طبیعی داشته باشند.

آذربایجان مقامی را که پیش از دوره رضا خان در مجلس داشت باید بدست بیاورد.

ما زحمات و مشقتهای چندین ساله‌ای که در راه آزادی کشیده ایم و روح بیغرضانه اینکه الان داریم تعقیب می‌کنیم بما صلاحیت و اجازه میدهد که هیئت دولت را جداً مخاطب قرار داده بگوئیم آقایان مراقب رفتار خودتان باشید مردم تهران خیلی حساستر از آن هستند که شما تصور میکنید. دست های خود را آلوده نکنید. مواظب باشید اشخاص صالح شما را مانند رضا خان بایکوت نکنند از دادن رای و از انتخاب شدن در مجلسیکه دوره زمامداری شما انتخاب میشود خود داری نمایند.

آزمایشی که تهران در پیش دارد بطور غیر مستقیم آزمایش و آزادیخواهی و میهن پرستی شما است از مداخله مستقیم و غیر مستقیم پرهیز کردن شما کفایت نمیکند مواظب باشید زیردستان شما اداراتیکه مسئولیتش با شما است آلت استفاده مغرضین واقع نشوند. کلاه خودتان را قاضی بکنید استقلال و هستی کشور مدیون این آزادی است که در عصر همه ما هزاران عیب و نقص دارد.

بهارستان در هر دوره علمدار آزادی و میهن پرستی بوده است من افتخار میگویم حتی در آن دوره های تاریک و مخوف پهلوی هم من نماینده گانی سراغ داشتم که برای آزادی و استقلال میهن مبارزه میکردند فرخی و یاران او مانند افراد معمولی اوراق تبلیغاتی سری و شب نامه های انتخاباتی را بدست خودشان منتشر مینمودند

مجلس سیزده اواخر خیلی شورش را در آورد مخصوصا راجع به لایحه مالی بسیار بد امتحان داد حتی خرابی انتخابات این دوره را از آن میدانیم اگر چه ما تبر را از ریشه نبریدیم بعقیده ما اگر محیط مناسبی ایجاد شد در خارج از مجلس یک یا چند جبهه بیطرف بوجود آمده بود حتی میان نمایندگان حاضر هم عناصر لایقی پیدا کرده از وجود و مقام آنها برای مملکت استفاده نمود.

حتماً نمایندگان تهران و آذربایجان در سیر معنوی مجلس تاثیر بسیار بزرگی خواهند داشت.

دولت هم موظف است با نگهداری بیطرفی کامل از تقلبات و نیرنگ و تهدید و تطمیع و سجل بازی و دهقانان را از حوزه های دیگر کشیده بپای صندوق آوردن از نظامی و شهربانی و سایر کار های ناشایست [illegible] نظارت که مسئولیت مستقیم تمام این خلافکاری ها بعهده او است جلوگیری بعمل بیاورد. و این شایعه کثیف که میگویند دولت میخواهد کاندید های معینی را بمردم پایتخت تحمیل بکند هیچ صلاح دولت نیست شاید هم مخالفین کابینه عمداً این شایعات را دهن مردم میاندازند

بعقیده ما هرچه زودتر عملا باید از این قبیل شایعات جلوگیری کرده بمردم ثابت نمود که دولت نمیخواهد کاندید معین داشته باشد اصلا قانوناً نمیتواند این کار را بکند اگر کسی این ادعاها را میکند دولت ناچار است برای حفظ حیثیت و آبروی خود او را بمحاکمه بکشد

این البته کافی نیست باید مردم و رای دهندگان هم جداً مواظب باشند

تاریخچه حزب عدالت نگارش ج. ع.

سرنوشت نخستین حکومت شوروی بادکوبه

اگر بخواهیم در این موضوع شرح و بسط بدهیم از موضوع اساسی که تاریخچه حزب عدالت است دور خواهیم شد. همین قدر مختصر باید گفت پس از [illegible] حکومت شوروی بادکوبه بیرحمانه مورد خطر واقع شد نیروی انگلیس [illegible] که ژنرال ماژور دنسترویل در یادداشت های خود شرح میدهد از جنگل عبور کرده.

جنگلی ها شهر رشت و بندر پهلوی را تخلیه کردند.

با ورود این قوای متشکل منظم که نیروی بیچراخوف هم همراه آن بود عناصر ضد انقلابی بادکوبه قوت گرفته مخصوصا (داشناکها) و سوسیالیست رولوسیونرها

در شورا مسئله مورد مذاکره واقع شده داشناکها و سوسیالیست رولوسیونرها بیطرفهارا با خود همراه کرده پیشنهاد کردند که از طرف شورا از نیروی انگلیسی که در بندر پهلوی و رشت اقامت دارد کمک خواسته شود. دلیلشان این بود که دولت محلی با هیچ‌ها را عهده بر نمیآید و از جلوگیری قوای نوری پاشا بر نخواهد آمد اگر شهر بدست ترکها بیفتد تمام ارامنه و مسیحیان را قتل عام خواهند نمود.

رئیس شورا شائومیان و اعضای حزب بالشویک شدیداً مخالفت کردند نظرشان این بود که تا آخرین نفر جنگیده بهیچ یک از نیروهای ضد انقلابی تسلیم نشوند.

با وجود این خواستند همه را با خود همراه کنند بالاخره تا ورود نیروی دنسترویل که روسهای سفید هم ظاهرا پشت سرشان میرسیدند کمیسارها و معروفین حزب در کشتی‌ها نشسته از شهر خارج شدند.

بدین منوال حکومت شوروی اول بادکوبه خاتمه پذیرفت عده‌ای از سران حزب عدالت از قبیل محمد علی خانوف لطفی و حاجی طرخان که دو دست قشون سرخ بود فرار کردند. کشتی شائومیان با کمیسارهای دیگر که ۲۶ نفر بودند در دریا بدست دشمن اسیر شده و در ترکمنستان همه را بشکل فجیعی تیر باران کردند.

هنوز هم از قتل ۲۶ نفر کمیسار بادکوبه یکی از روزهای سوگواری کارگران آنجا محسوب میشود.

این قتل فجیع یکی از حوادث بسیار مهم تاریخی [illegible] که بموقع خود سبب گفتگو و مناقشه دیپلوماسی هم بوده است.

یکی از نقاشان معروف روس این منظره معروف را در تابلوی بسیار گرانبهائی ترسیم کرده است که یکی از شاهکارهای صنعتی هنرمندان دوره انقلاب شناخته شده است.

با ورود نیروی انگلیس و بیچراخوف در بادکوبه هم مانند ترکستان دولت مخصوصی بنام دولت ماورای خزر تشکیل شده بود این دولت با تمام احزاب دست چپ مخصوصاً بالشویکها شدیداً مبارزه میکرد. عده زیادی از اعضای حزب عدالت را هم توقیف کرده بودند.

در این دوره زندگانی سیاسی کاملا مرده بود ژنرال دنسترویل وضعیت این دوره را که سخت‌ترین روزهای ساکنین بادکوبه است در یادداشت های خود تا اندازه‌ای تصویر نموده بیرحمانه گی و شارلاتانی داشناکها و عناصر سفید را با کمال بیطرفی بقلم آورده و سعی می کند سبب سقوط بادکوبه را بگردن آنها بگذارد.

بهر حال شهر بعد از چندین ماه محاصره سقوط کرد حکومت بدست ترکها افتاد سربازان نوری پاشا بهانه انتقام ترکهای محلی که از طرف داشناکها بقتل رسیده بودند شهر را غارت و ارامنه را قتل عام کردند.

من وحشیگری داشناکها را روز ۱۸ مارس ۱۹۱۷ دیده در آنروز عده بیشماری از مردمان بیگناه مخصوصا ایرانیان بیطرفی که در کاروانسراها [illegible] و ذغال شده بودند بچشم خود مشاهده کرده بودم. این [illegible] بود از دیدن منظره‌ای که این مردمان بیشعور بدون علت اساسی بدون مقصد فقط از روی کینه ورزی و عداوت مرتکب شده بودند روان انسان عاصی میشد ولی ترکها هم از آنها عقب نمانده بودند اینها هم قتل و غارت جلادی و بیرحمی را از حد گذرانده از پیر و جوان هرکه بدستشان افتاده بود بقتل رسانده سه شبانه روز شهر را بدست سربازان داده گفته بودند هرچه دلشان بخواهد بکنند.

روز سوم من توانستم بشهر وارد شوم کوچه خیابان و مغازه‌ها و خانه‌ها و بالاخره تمام شهر خون آلود غارت زده و کثیف بود. از بعضی خیابانها نمیشد عبور کرد قتل و غارت تمام شده بود برای اعاده امنیت نوری پاشا امر کرده بود چند نفر سربازان را که بعد از خاتمه ساعت قتل و غارت دست بکار بودند بستون تلگراف چهارمیخ بکشند.

هنگامی که من وارد شهر شدم هنوز اجساد مردگان را تازه داشتند جمع آوری میکردند دو نفر از ارامنه را که نمیدانم چطور زنده مانده بودند [illegible] بعرابه بسته وادار جنازه‌ها را روی آن می گذاشتند روحم تکان خورد نتوانستم طاقت بیاورم بیچاره‌ها در اثر ترس و بیم و گرسنگی طوری ناتوان شده بودند که قدرت حرکت نداشتند مشاهدم بعد از حمل عرابه در همان قبرستان کارشان را خاتمه میدادند

چاوش در کنار ایستاده فرمان میداد سربازان عرابه را پر می کردند. من از مشاهده آن منظره وحشتناک طاقت نیاورده پیش چاوش رفتم نگذاشت حرف از دهنم بیرون بیاید گفت اینها که برادران شما را کشته‌اند تا شما را اسیر کرده چرا باید موجب ترحم باشند گفتم افندی من اینهارا میشناسم همسایه ما بودند همان موقعیکه داشناکها مسلمانان را میکشتند اینها زن و بچه مارا پنهان کردند. خود مارا از مرگ نجات دادند حالا از شما خواهش میکنم اینها را برای خاطر همان زن و بچه‌هائیکه از مرگ نجات داده‌اند آزاد کنید. خندید گفت فرق نمیکند اگر ما مرخصشان بکنیم بدست دیگری میافتند گفتم من وظیفه وجدانی خود را ادا کردم گفت باشد حالا که اینطور با مردانگی پیش آمدی منهم از کشتن این (ژیونکها) صرف نظر کردم بدینواسطه دو نفر خیاط بیچاره از مرگ خلاص شدند ولی این یک تصادف ساده‌ای بود.

باغ منو اهش مجدی

جلو گردن کلفتی را بگیرید

مکرر امتحان شده است که موزعین روزنامه ها و فروشنده [illegible] مشترکین دیر رسانیدن کلاه برداری [illegible] امروزها مدعی شده است که حتی موزعین خصوصی روزنامه ها هم حاضر نیستند از آن [illegible] بکنند و [illegible] ادارات هنوز نتوانسته اند جلو آن را بگیرند.

اگر چه مدیر بنگاه زربخش جوان [illegible] است خودش هم [illegible] است که روزنامه‌ها موقع بدست مشترکین برسد یک تشکیلات منظم و درستی هم بوجود آورده و مبالغ زیادی هم پول خرج میکند ضرر و خسارت هم متحمل میشود موزعین را هم حقوق کافی میدهد ولی متاسفانه جلو طمع و شیادی موزعین را باین سهولت ممکن است نتواند بگیرد در این کار مساعدت و همراهی جدی خود مشترکین لازم است این مساعدت را هم ما از خوانندگان خود [illegible] هم انتظاری که از ما دارند داریم. اگرچه چه روزی برای آن ها زحمت دارد ولی نتیجه‌ای که بدست میاید بسیار بزرگ و بسیار مفید خواهد بود.

مخصوصا موزعین سعی می کنند بفهمند آیا مشترک با اداره روزنامه یا بنگاه ارتباط دارد یا خیر همینکه دو سه و چهار شماره را نرساندند و صدایش بلند نشد دیگر ممکن نیست بدان آدرس روزنامه برسانند.

بنابراین خواهشمندیم همین که یک شماره نرسید فورا بوسیله تلفن شماره ۵۷۶۰ به آقای امیرانی مدیر بنگاه زربخش اطلاع بدهید و ایشان خواهند دستور بدهند تا فوراً روزنامه شما را بشما برسانند این کمکی است که شما علاوه بر خودتان باداره روزنامه و بنگاه زربخش که یک بنگاه [illegible] است کرده باشید.

ما غیر از این هیچ چاره نیست علاوه بر این اگر بیشتر بخواهید باما همکاری کرده باشید لطفا با یک کارت پستال شهری اداره روزنامه را هم مطلع بفرمائید و در نظر داشته باشید که ما برای رساندن هر یک از شماره های روزنامه مبلغی حق توزیع میدهیم بنگاه زربخش در نرسیدن روزنامه ذیحق نیست فقط بعضی از موزعین بد اخلاق و دزد هستند که برای یک قران آبروی بنگاه زربخش و اداره روزنامه را میبرند خواهشمندیم حتی‌الامکان [illegible] این کنترل [illegible] بشود اگر برای خودتان اشکال دارد یکی از گماشتگان خودرا موظف بکنید وسیله روزنامه را تعقیب کرده چه روزی بشما مرتبا گزارش بدهد و خودش با بنگاه بواسطه تلفن شماره ۵۷۶۰ رابطه داشته باشد علاوه بر این بنگاه زربخش برای نرساندن روزنامه جریمه هم قائل شده است ولی چه سود که همه را کنترل کردن امکان پذیر نیست مگر مشترکین همت بخرج داده باداره روزنامه و بنگاه بموقع اطلاع بدهند.

والا اگر افکار عمومی کمک بکند بنگاه زربخش یکی از بنگاه های آبرومند و مفیدی خواهد بود.

کاش حاجی آقای روزنامه فروشها نیز میتوانست [illegible] احتیاجات [illegible] برای روزنامه فروشان مقرراتی ایجاد کرده از تبعیض جلوگیری نماید.

واقعا ننگ‌آور است یک بنگاه که خود را بیطرف و تجارتی معرفی میکند تا این اندازه آلت دست مغرضین واقع شود. تشکیلات وسیع روزنامه فروشان را فقط [illegible] با چند روزنامه ارتجاعی بکار ببرد.

حاجی آقا ما شاءالله خیلی حرص دارد میگوید بمن مربوط نیست شما کاغذ را هر کیلوئی ۵۵ ریال میخرید برای هر یک شماره بیشتر از دیگران خرج دارید من میخواهم مدت و مجانی سر هر یک [illegible] این باج سبیل را نمیدهید تا روزنامه تان را در خیابان ها داد بزنند و خبرهای جعلی هم ممکن است خود روزنامه فروشها اختراع بکنند. و شما که روزنامه نویس هستید میتوانید هر نسخه یک قران ضرر بدهید من باید فائده ببرم زیرا روزنامه نویسهائی هستند که این کار را میکنند والا رنگ روزنامه شمارا کسی نخواهد دید اسم روزنامه شما را کسی در خیابان نخواهد شنید. این هم فرمان روزنامه فروشان [illegible] من هستم که همه روزنامه نویسان را میتوانم بخاک سیاه بنشانم من هستم که برای منافع خود قلمهای شما را میشکنم ادارات شمارا میبندم و قانون آزادی مطبوعات را عملا اجرا میکنم

زور من از مجلس و نمایندگان آن بیشتر است کاری که آنها نتوانستند انجام بدهند من با کمال سهولت انجام میدهم من حامی روزنامه فروشها امر میکنم و شما ناچارید امر مرا بپذیرید. چاره ندارید.

قانون و کارشکنی و ضرر زدن اینها بگوش من فرو نمیرود انگور فروش نیستم که به بهانه گران فروشی شلاق بخورم پادشاه موزعین و روزنامه فروشان هستم کسی هم نمیتواند بگوید بالای چشمتان ابرو است تشکیلات منظمی هم دارم از هیچ کس هم نمیترسم رقیب هم ندارم. شهربانی و اداره تبلیغات اداره معارف چیزهای دیگر هم سرم نمیشود دکتر میلسپو هم اگر تمام ایران را زیر و رو بکند بگردم نخواهد رسید کار من دلخواه است من انگل و مانع پیشرفت روزنامه های آزادیخواه میباشم من ریشه کسی که میخواهم جلو دکانم دکان باز کند در هم خواهم آورد.

من مانند عنکبوت دامی گسترده ام که هیچ پشه نمیتواند جان خود را از آن خلاص بکند.

بهر حال در این کار هم از علاقمندان متوقعیم تا اندازه‌ای کمک بکنند این بسیار ساده است جلو موزعین [illegible] با هزاران راست و دروغ بهم بافته برای روزنامه های معلوم داد میزنند بگوئید چرا روزنامه آژیر را داد نمیزنی بابساط چیهائی که در خیابانها تصادف میکنید دقیق شده بگوئید برای چه روزنامه آژیر را زیر روزنامه های دیگر پنهان کرده و نمیخواهی جلو چشم بگذاری.

البته این یک کمک جدی نیست با وجود این بی اثر هم نخواهد بود.

ما که زورمان نمیرسد کاغذ ورق یک قران خریده به حاجی سلطان ده شاهی بفروشیم در این قبیل کارهای عام‌المنفعه علاقمندان باید جدا دخالت بکنند زور گوئی قول چماقی و قلدری هم اندازه دارد.

قابل توجه وزارت فرهنگ
و دبیرستان نظام

شیاد است یا دبیر

از قرار نامه تظلم آمیزی که از طرف یکی از ساکنان [illegible] باداره ما رسیده معلوم میشود ایشان با داشتن مدارک تحصیلی در یکی از دبیرستانهای وزارت فرهنگ و در دبیرستان نظام مشغول تدریس میباشد در عین حال از قراری که میگویند در احتکار و قاچاق برنج و سایر مواد خوار بار بیدغدغه مشغول میباشد. و انگهی در حق یک دختر بیچاره اینکه ازدواج کرده بود بزرگترین ظلم و تعدی را روا داشته سعی کرده است برای از بین بردن و اضمحلال او [illegible] بفرستند.

با این اخلاق آقا در دبیرستانها چکار میکند و چه درسی میگوید عاقبت محصلینی که زیر تربیت آقا بیرون خواهند آمد بکجا خواهند رسید

مهمترین اخبار

تصرف کرچ بدست نیروهای شوروی

[illegible]

[illegible] واقع [illegible] دست آمده است .

اخبار گوناگون

[illegible]

* * *

[illegible]

* * *

[illegible] در [illegible] و یک پیاده کرده اند و اکنون [illegible] در آنجا جریان دارد

* * *

رئیس جمهور آمریکا امروز بمناسبت اینکه [illegible] قرارداد [illegible] و اصلاح اوضاع مالی متفقین را امضاء نموده اند [illegible] نمود

نامبرده در [illegible] این [illegible] بیلرزمندان های مهم [illegible] که اکنون تحت اشغال آلمان و ژاپن میباشند و کوشش مشترکی که تمام دولتها برای استخلاص این اراضی از [illegible] مشغول میدارند خاطر نشان ساخت

اگر واقعا برای اثبات وعدالت دولت معاونی کیر آور [illegible] باید روز نامه ها و مقامات صلاحیتدار برساخته تا بموقع جلوگیری بعمل بیاید

حیاتا تهران میرود امتحان [illegible] ها امیدواریم خوب ازعهده آن برخواهد آمد .

تلگرافها

از شیر [illegible]

[illegible]

خبرهای داخله

اعلامیه انجمن نظارت مرکز

[illegible]

از اثر احساسات میهنانه

[illegible]

تصحیح

در شماره گذشته [illegible] روزنامه آژیر [illegible] اشتباها [illegible] تصحیح فرمائید .

[illegible]

ندای حقیقت

[illegible]

روزنامه دماوند هنوز در توقیف است

[illegible]

حوادث شهری

[illegible]

از دفتر خاطرات زندان		بقلم : ج . پ

ملی روشن را برای چه بازداشت کرده بودند

[illegible]

مرحوم کمره ای

[illegible]

سالار ظفر سنجابی

[illegible]

[illegible] منزلم آمده بدون مقدمه و تعارف گفت آیا میدانی همه ما ها که [illegible] آزادی خواهی و میهن پرستی بروی خود گذاشته ایم خائن هستیم گفتم برای خیانت هم دلیلی [illegible] ندارید [illegible] که [illegible] خود را خیانت [illegible] نمی دانیم .

چاپخانه داد

آگهی مناقصه

[illegible]

[illegible] ۲۹۰۱

آگهی مزایده

وزارت بازرگانی و پیشه و هنر (اداره کل پخش) [illegible]

مدت قبول پیشنهاد های بازی اول تا آخرین ساعت اداری [illegible] آبان ماه جاری است [illegible] آبان در اداره کل پخش این وزارت واقع در خیابان پهلوی [illegible] خواهد شد .

پیشنهاد های بازی دوم تا آخر ساعت اداری روز شنبه ۲۸ آبان ماه قبول و روز یکشنبه ۲۹ آبان ماه ساعت ده صبح مفتوح خواهد شد .

پیشنهاد دهندگان باید [illegible] بحساب شماره [illegible] اداره کل پخش در بانک ملی مرکز [illegible] تسلیم نموده و رسید آن را [illegible] پیشنهاد خود نمایند [illegible] خواهد شد .

پیشنهاد دهندگان باید بهای پیشنهادی خود را برای [illegible] ملاحظه نمایند [illegible] پیشنهاد دهند .

مالیات مزایده بعهده برنده مزایده [illegible] خواهد شد . حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه مزایده آزاد و وزارت بازرگانی و پیشه و هنر در رد و قبول یک یا کلیه پیشنهادات واصله مختار است .

وزارت بازرگانی و پیشه و هنر

۱ - ۲		آ ۲۰۴